

فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه (دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، علمی - پژوهشی، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲

بررسی میزان اتکا به عامل فرامتنی «جهت ترجمه»:

موردپژوهی ترجمه‌های رمان صدسال تنهایی نوشته گابریل گارسیا مارکز

فرزانه شکوهمند (دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات ترجمه دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسؤول)

f.shokoohmand@yahoo.com

زهره تائبی (استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد)

z.taebi@gmail.com

علی خزاعی فرید (دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد)

khazaeefar@yahoo.com

چکیده

ژنت (۱۹۹۷) یکی از صاحب‌نظران ادبی است که نظریه‌ای مبتنی بر نقش عوامل فرامتنی را ارائه کرده است. در این مقاله، براساس نظریه وی به بررسی نقش عوامل فرامتنی در ترجمه مانند جهت مستقیم و غیرمستقیم و چگونگی درج آن روی جلد آثار ترجمه شده خواهیم پرداخت. پس از اشاره به دیدگاه‌های مختلف درباره ترجمه غیرمستقیم، موردپژوهی ترجمه‌های فارسی رمان مشهور صدسال تنهایی اثر مارکز (۱۹۶۷) ارائه خواهد شد و دقت ترجمه‌ها را که حاصل جهت مستقیم و غیرمستقیم هستند، باهم مقایسه خواهیم کرد. در این مقاله بررسی دو ترجمه از متن اصلی (اسپانیایی)، سه ترجمه از زبان میانجی صورت می‌گیرد. دو ترجمه از زبان میانجی انگلیسی و یک ترجمه از زبان میانجی ایتالیایی ترجمه شده است. معادل‌گذاری متفاوت و حذف یا اضافه که از جمله عوامل تأثیرگذار در کیفیت ترجمه هستند، مطالعه می‌شوند. نتایج نشان می‌دهد در ارزیابی دقت در ترجمه، معیار جهت ترجمه کافی نیست؛ بلکه معیار دانش و مهارت مترجم نسبت به آن در اولویت قرار دارد. همچنین، دقت در انتخاب زبان میانجی عاملی است که بر کارآمدی ترجمه، از جهت غیرمستقیم تأثیر بسزایی دارد.

کلیدواژه‌ها: عوامل فرامتنی، جهت ترجمه، زبان میانجی، معادل‌گذاری متفاوت، حذف یا اضافه.

۱. مقدمه

ژنت^۱ (۱۹۹۷) نخستین کسی است که به بررسی نقش عوامل فرامتنی^۲ در چگونگی پذیرش آثار ادبی پرداخته است. او معتقد است «عوامل فرامتنی اجتماعی‌ترین بعد هر اثر ادبی هستند؛ به عبارت-

1. Genette

2. paratextual elements

دیگر، آثار از طریق عوامل فرامتنی با جامعه ارتباط برقرار می‌کنند» (ژنت، ۱۹۹۷، ص. ۱۴). او در تعریف عوامل فرامتنی می‌گوید تصوّر همگان از یک اثر ادبی فقط مجموعه‌ای از جملات پی‌درپی و منسجم است؛ اما درحقیقت، این جملات برای آنکه بتوانند در قالب یک اثر ادبی به بازار عرضه شوند، لازم است با عوامل زبانی و غیرزبانی دیگری مانند نام نویسنده، عنوان، پیش‌گفتار و تصاویر همراه شوند. شاید این عوامل هیچگاه بخش جدایی‌ناپذیر از متن محسوب نشوند؛ اما در هر صورت این عوامل متن را دربرگرفته‌اند و به وسیله همین عوامل، متن به عنوان یک اثر ادبی یا کتاب به بازار عرضه می‌شود. این عوامل زبانی و غیرزبانی *عوامل فرامتنی* نامیده می‌شوند (ژنت، ۱۹۹۷، ص. ۱). ژنت *عوامل فرامتنی* را در چهار دسته طبقه‌بندی کرده است:

۱. عوامل متنی^۱؛ مانند: عناوین، پیشگفتارها و مصاحبه‌ها؛

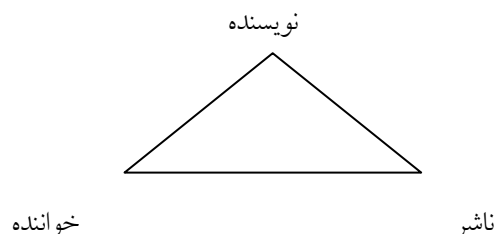
۲. عوامل نمادین^۲؛ مانند: تصاویر؛

۳. عوامل مادی^۳؛ مانند: انتخاب شیوه چاپ حروف؛

۴. عوامل وابسته به واقعیت‌های بیرونی^۴؛ مانند: سن یا جنسیت نویسنده، ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی نویسنده، تاریخ نوشته‌شدن اثر و جوایزی که به اثر تعلق گرفته است (ژنت، ۱۹۹۷، ص. ۷-۵).

لازم است ذکر شود ژنت در توصیف نقش *عوامل فرامتنی*، آثار تألیفی را در نظر داشته است، اما پژوهشگران مطالعات ترجمه نظریه‌های وی را نیز به کار گرفته‌اند. در این مقاله، با استناد به دیدگاه ژنت، *عوامل فرامتنی* در متون ادبی ترجمه‌شده و ویژگی‌های مربوط به آن بررسی خواهند شد. باید توجه داشت که در تطبیق دیدگاه ژنت در زمینه مطالعات ترجمه، ویژگی‌های دیگری مانند نام مترجم، آثار ترجمه‌شده قبلی از او، چگونگی فرایند ترجمه، شرایط جامعه مقصد و غیره را نیز می‌توان به عنوان *عوامل فرامتنی* در نظر گرفت. ترجمه هر اثری سه عامل را در بردارد که بررسی ارتباط آن‌ها می‌تواند دلایل استقبال مخاطبان از اثری ترجمه‌شده را نشان دهد.

-
1. Textual
 2. Iconic
 3. Material
 4. Factual



شکل ۱. ارتباط سه عامل تأثیرگذار در استقبال از ترجمه

به دلیل اینکه بررسی جزئی تمام این ارتباطها از حوصله مقاله خارج است، در پژوهش حاضر، ارتباط ناشر و خواننده از طریق عامل فرامتنی جهت ترجمه^۱ بررسی خواهد شد. این عامل براساس طبقه بندی ژنت، در دسته چهارم؛ یعنی عوامل وابسته به واقعیت های بیرونی قرار خواهد گرفت. به بیان دقیق تر، منظور از جهت ترجمه، مستقیم^۲ یا غیرمستقیم^۳ بودن ترجمه است.

تاریخ ترجمه نشان داده است گاهی مترجمان به دلیل اینکه با زبانی آشنا نیستند، نمی توانند اثری را به جامعه خود معرفی کنند. در چنین شرایطی، برخی از مترجمان با استفاده از زبان میانجی^۴ یا زبان سوم توانسته اند این مانع را از میان بردارند. در این روش، نه متن اصلی، بلکه نسخه ترجمه شده آن به عنوان متن مبدأ قرار می گیرد. در ایران از آثار مشهور به طور معمول چندین ترجمه توسط مترجمان مختلف و البته با کیفیت های متفاوت روانه بازار کتاب می شوند. برخی از این ترجمه ها از شیوه مستقیم و برخی به ناچار از شیوه غیرمستقیم صورت گرفته اند. در ترجمه هایی که حاصل جهت غیرمستقیم هستند، به ندرت مشاهده شده است که این موضوع به عنوان یک ویژگی - که مطلع بودن از آن حق خواننده است - روی جلد یا در پیش گفتار یا در مقدمه مترجم درج شود و شاید خواننده هیچ گاه مطلع نشود که آن ترجمه برگردانی از نسخه اصلی نبوده است. همچنین، شاهد بوده ایم که اغلب ناشران، ترجمه از زبان اصلی را به عنوان یک ویژگی مهم تلقی می کنند و به طرز چشمگیری روی جلد اثر چاپ می کنند تا به این طریق

1. Directionality
2. Direct translation
3. Indirect translation
4. Intermediary language

انتخاب خواننده را از میان ترجمه‌های مختلف به‌سوی ترجمه خود سوق دهند؛ مانند رمان مشهور *صدسال تنهایی* که تاکنون در ایران مترجمان و ناشران مختلف آن را ترجمه کرده‌اند. در پژوهش حاضر برآنیم تا با موردپژوهی یکی از چنین مواردی را روشن کنیم:

۱. آیا با در نظر گرفتن معیارهای ترجمه که تاکنون محققان معرفی کرده‌اند، محصول ترجمه از زبان میانجی، ترجمه محسوب می‌شود یا خیر؟

۲. آیا ترجمه از زبان میانجی ارزش ترجمه را کمتر می‌کند؟

۳. خواننده تا چه حد می‌تواند عامل فرامتنی را معیار تشخیص ترجمه برتر قرار دهد؟

۲. پیشینه تحقیق

ژنت (۱۹۹۷) عنوان *فرامتنی* را برای نامیدن عناصر زبانی و غیرزبانی مانند پیش‌گفتار، عنوان‌ها، تصاویر و سایر مواردی به‌کار برده است که بخشی از اثر ادبی را دربر می‌گیرند و آن را پلی می‌داند که محتویات کلی اثر ادبی را به خواننده انتقال می‌دهد. وی معتقد است که همواره نقش اصلی عوامل فرامتنی مجذوب‌کردن خواننده به‌سوی اثر موردنظر است (واتس^۱، ۲۰۰۰، ص. ۴). از آنجایی که این عوامل «همیشه قبل از متن موردتوجه خواننده می‌گیرند، در بازار و چگونگی خوانش کتاب، نقش مهمی در تحت‌تأثیر قراردادن خواننده به‌عهده دارند» (کروکر^۲، ۲۰۱۱، ص. ۲). ژنت معتقد است عوامل فرامتنی از دو طریق با خواننده ارتباط برقرار می‌کنند: عناصر پیش‌متنی^۳ و عناصر *پیرامتنی*^۴. ژنت (۱۹۹۷) عناصر پیش‌متنی را عناصر *پیش‌متنی ناشر*^۵ نیز می‌نامد. این عناصر بیشتر بر جنبه‌های *دیداری*^۶ آثار دلالت دارند و شیوه‌های مناسب نشر را با در نظر داشتن وضعیت کنونی بازار کتاب تعیین می‌کنند. این عناصر *دیداری* خود به دو دسته *عناصر تشکیل‌دهنده*^۷ مانند قالب، طراحی جلد، صفحات آغاز و پایان کتاب، صحافی، تصاویر و غیره و عناصر

1. Watts

2. Croker

3. Peritextual

4. Epitextual

5. publisher's peritext

6. visual

7. Organizational

مربوط به *ویراستاری*^۱ مانند تقدیم‌نامه، جملات قصار و بخش سخنی خطاب به خواننده تقسیم می‌شوند (همان). عناصر *پیرامتنی* به عواملی بیرون از اثر ادبی دلالت دارند که به شکل‌های مختلف از جانب اثر با خواننده ارتباط برقرار می‌کنند و در چگونگی درک و تفسیر متن به خواننده جهت می‌دهند. این عناصر از طریق برجسته‌سازی عوامل مؤثر در روابط عمومی مانند آگهی‌های بازرگانی، مصاحبه‌های انجام‌شده با نویسندگان، مترجم و منتقد و نیز اطلاعات خصوصی‌تر مانند نامه‌ها و خاطرات مترجم، نویسنده و ناشر نقش خود را ایفا می‌کنند (کروکر، ۲۰۱۱، ص. ۲).

واتس (۲۰۰۰) نقش *عوامل فرامتنی* را در شناساندن اثری از نویسنده بیگانه فرانسوی به مخاطبان، بررسی کرده است. این اثر ادبی طی پنجاه سال (از زمان اولین تا آخرین انتشار) با ظاهر و عوامل فرامتنی مختلفی روانه بازار شده است. واتس مدعی است مقایسه دو جلد این اثر؛ یعنی اولین و آخرین نسخه نشان می‌دهد که جایگاه اجتماعی این اثر ادبی طی پنجاه سال تغییر کرده است. هدف وی از انجام پژوهش موردبحث پاسخ به این پرسش بوده است که در هر برهه از زمان، *عوامل فرامتنی* در چگونگی دریافت این اثر نقشی داشته‌اند یا خیر؟ پس از بررسی‌های انجام‌شده، واتس اهمیت نقش *عوامل فرامتنی* را تأیید کرده و معتقد است این عوامل که شامل پیش‌گفتار، سخن آخر، عنوان‌ها، جلد، تصاویر، واژه‌نامه و غیره می‌شوند، ابزارهای ترجمه فرهنگی نیز بوده‌اند. وظیفه این ابزارها برطرف کردن سختی درک معنای متن، به دلیل وجود تفاوت‌های فرهنگی بوده است.

از دیگر محققان ترجمه که به بررسی *عوامل فرامتنی* پرداخته است، می‌توان از کاس^۲ (۲۰۰۸) نام برد. وی توضیح می‌دهد که اهمیت مطالعه این عوامل در آن است که درباره ارائه و دریافت متون ترجمه‌شده در شرایط مختلف تاریخی و فرهنگی جامعه مقصد، بینش ارزشمندی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند. او در مقاله‌ای به بررسی تأثیر چگونگی بافت فرهنگی جامعه بر چگونگی *عوامل فرامتنی* می‌پردازد و نشان می‌دهد که با استفاده از استراتژی‌های فرامتنی، چگونه می‌توان اثر ترجمه‌شده را بازنویسی کرد. او با تکیه بر اعتقاد ژنت که «پیام‌های عوامل فرامتنی با توجه به شرایط تاریخی، فرهنگ، ژانر، نویسنده، اثر و ویرایش‌های مختلف تغییر می‌کنند» (ژنت، ۱۹۹۷، ص. ۳)، به بررسی *عوامل فرامتنی* در ترجمه‌های یک

اثر که محتوایی فمینیستی داشته‌اند، پرداخته است تا نشان دهد تغییرات جامعه چگونه می‌توانند استراتژی‌های فرامتنی را نسبت به درون‌مایه اصلی اثر تغییر دهند.

کروکر (۲۰۱۱، ص. ۱) محقق و مدرس ادبیات کودک در دانشگاه استرالیا است که به بررسی نقش عوامل فرامتنی در تعیین چگونگی دریافت و خوانش آثار ادبی کودکان پرداخته است. از آنجایی که عوامل فرامتنی به‌عنوان عناصری بیرونی با ویژگی انتقالی^۱ خود به خواننده کمک می‌کنند تا به محتوای درونی اثر اشراف پیدا کند، کروکر بر آن بوده است تا علاوه بر بررسی نقش انتقالی فرامتنیت، نقش این عوامل را به‌عنوان ابزارهایی برای ترجمه فرهنگی، در زمان و مکان‌های مختلف بررسی کند.

انجمن تحقیقاتی ترجمه و فراترجمه^۲ در دانشگاه ویگو^۳ (اسپانیا)، واژه فراترجمه را برای تحلیل زمان و موقعیت ضروری برای ترجمه هر فرامتنیتی که متن ترجمه‌شده را در بر گرفته باشد، ابداع کرده است (یوست فریاس^۴، ۲۰۱۲، ص. ۱۱۸). تمام این عوامل در کنار متن ترجمه‌شده قرار می‌گیرند تا بر امکان پذیرش و دریافت آن اثر در بازار کتاب بیفزایند. یوست فریاس (۲۰۱۲، ص. ۱۱۸) توضیح می‌دهد که «مفهوم فراترجمه به‌کار گرفته می‌شود تا دسترسی و تحلیل تأثیرات ناشی از دستکاری‌های زیباشناختی، سیاسی، ایدئولوژیک، فرهنگی و اجتماعی دخیل در همه تولیدات فرامتنی را نشان دهد. تأثیراتی که در حاشیه و درون هر متن ترجمه‌شده‌ای جای دارند».

یوست فریاس (۲۰۱۲) پژوهشی در زمینه جلد‌های چند اثر ادبی کودک به زبان فرانسه و ترجمه آن‌ها به زبان‌های مختلف انجام داده است که اهمیت فراترجمه را به‌عنوان ابزاری برای مطالعه عوامل فرامتنی در ترجمه ثابت کند. عامل فرامتنی که او به آن پرداخته است، طراحی حروف و شیوه درج عنوان بر روی جلد کتاب است. او پس از توصیف اهمیت شیوه نمادین نوشتار حروف و اهمیت معنایی که این نماد در ذهن کودک القاء می‌کند، توضیح می‌دهد در ترجمه اسپانیایی به‌دلیل تغییرکردن طراحی حروف و شیوه درج عنوان بر روی جلد کتاب، معنای نهفته در صورت نمادین حروف از بین

-
1. Transitional function
 2. Translation and paratranslation
 3. Vigo
 4. Frias

رفته است. او نتیجه می‌گیرد که ارتباط مستمر بین مترجم، ویراستار یا ناشر اهمیت بسزایی دارد تا اطمینان حاصل شود که ترجمه به‌همراه تمام ویژگی‌های متنی و فرامتنی اصلی صورت گرفته است. همان‌طور که در آغاز اشاره شد، ژنت (۱۹۹۷) در تقسیم‌بندی عوامل فرامتنی، یک دسته را به عوامل وابسته به واقعیت‌های بیرونی از جمله سن یا جنسیت نویسنده، ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی وی، شرایط تاریخی نوشته‌شدن اثر، جایزه‌هایی که به اثر تعلق گرفته‌اند و غیره اختصاص داده است. معرفی شیوه ترجمه یکی از این عوامل است. آثاری که متعلق به زبان‌های غیراصلی هستند، در جوامع مختلف گاهی از طریق زبان میانجی به زبان مقصد ترجمه می‌شوند. در بخش بعد، بر دیدگاه‌های مختلف درباره جایگاه ترجمه از زبان میانجی و پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه مروری کلی خواهیم داشت.

۲. ۱. عناوین مختلف برای جهت ترجمه از زبان میانجی

تاکنون محققان ترجمه عنوان‌های مختلفی را برای روش ترجمه از زبان میانجی پیشنهاد کرده‌اند؛ اما از ترجمه غیرمستقیم و ترجمه امدادی^۱ بیشتر از سایر عنوان‌ها استقبال شده است. برخی از صاحب‌نظران، این روش را زیرمجموعه‌ای از بازترجمه^۲ در نظر گرفته‌اند. از آنجایی که بازترجمه به اثری اطلاق می‌شود که پیش از آن به زبانی ترجمه شده و برای بار دوم به همان زبان برگردانده شده است، نمی‌تواند برای اثری که از زبان میانجی ترجمه شده است، عنوان مناسبی باشد. به‌همین دلیل برخی از محققان مانند گمبیر^۳ (۱۹۹۴) این تمایز را مطرح کرده‌اند و ترجمه از زبان میانجی را از بازترجمه جدا کرده‌اند (بیکر و سالدانها، ۲۰۰۹، ص. ۲۳۰).

پیم (۲۰۱۱) معتقد است هیچ‌یک از عنوان‌های نام‌برده به اندازه کافی گویا نیستند و پیشنهاد می‌کند بهتر است از عنوان‌های واضح‌تری مانند ترجمه از زبان میانجی یا ترجمه غیرمستقیم استفاده شود. او اعتقاد دارد این عنوان‌ها خالی از ابهام نیستند؛ برای مثال، ابهام عنوان ترجمه از زبان میانجی در این است که تمام ترجمه‌ها توسط شخصی که بین دو زبان میانجی‌گری می‌کند (مترجم)، صورت می‌گیرند.

-
1. Relay translation
 2. Retranslation
 3. Gambier

ابهام عنوان ترجمه غیرمستقیم در این است که یکی دیگر از صاحب نظران مطالعات ترجمه؛ یعنی گات^۱ (۲۰۰۰)، پیش تر این عنوان را برای نامیدن ترجمه‌های به کار برده است که به ویژگی‌های سبکی متن اصلی زیاد نزدیک نیست. به تعبیر وی، تفاوت اصلی بین ترجمه مستقیم و غیرمستقیم در این است که در ترجمه مستقیم، مترجم تلاش می‌کند ترجمه‌ای را ارائه کند که از لحاظ مفهومی در کامل-ترین حد ممکن باشد تا بتواند تفسیری شبیه به تفسیر اصلی به دست دهد؛ در حالی که در ترجمه غیرمستقیم، تنها مفاهیمی منتقل می‌شوند که مخاطب پیشینه ذهنی درباره آن‌ها دارد و موضوع‌های آن برایش قابل درک هستند و مفاهیم ناآشنا حذف یا بومی‌سازی می‌شوند (اسمیت^۲، ۲۰۰۲، ص. ۱۰۹).

نظریه پردازان مطالعات ترجمه، عنوان دیگری را نیز در این زمینه مدنظر داشته‌اند. دولراپ^۳ (۲۰۰۸) نیز با عنوان ترجمه غیرمستقیم مخالف است (پیم، ۲۰۱۱، ص. ۸۰). او عنوان ترجمه *املا/دی* را پیشنهاد می‌کند و توضیح می‌دهد ترجمه‌ای که در ترجمه‌های بعدی به عنوان متن مبدأ استفاده می‌شود، متن *املا/دهنده* و ترجمه‌ای که حاصل چنین فرایندی است، ترجمه *املا/دشده* نامیده می‌شوند. او میان ترجمه غیرمستقیم، *املا/دی* و حمایت‌شده^۴ تمایز قائل می‌شود. او ترجمه‌ای را حمایت‌شده می‌خواند که مترجم برای تولید آن از ترجمه‌های قبلی کمک گرفته است و از این طریق ابهاماتش را رفع کرده است. ترجمه غیرمستقیم زمانی صورت می‌گیرد که دو نفر به وسیله زبان میانجی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. اگر تا اینجا تعریف دولراپ (۱۹۹۸) از ترجمه غیرمستقیم در نظر گرفته شود، می‌توان گفت چنین برداشتی از عنوان ترجمه غیرمستقیم دور از ماهیت شیوه ترجمه از طریق زبان میانجی نیست؛ خواننده و نویسنده‌ای که با زبان هم بیگانه هستند، از طریق میانجی‌گری زبانی آشنا با یکدیگر می‌توانند ارتباط برقرار کنند. دلیل دیگر دولراپ برای رد این عنوان آن است که در ترجمه غیرمستقیم، زبان میانجی فقط جنبه کمکی دارد و مخاطب خاص خود ندارد؛ اما در ترجمه از زبان میانجی، ترجمه اول (متن میانجی) ابتدا فقط برای مخاطبان خود صورت می‌گیرد، سپس، به عنوان میانجی بین متن اصلی و زبانی دیگر استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، هدف اول و اصلی تولید آن میانجی‌گری نیست.

1. Gutt
2. Smith
3. Dollerup
4. Support translation

با وجود تنوع در عنوان‌هایی که از آن یاد شد، همه نظریه‌های مطرح‌شده به یک موضوع اشاره دارند که آن بر مفهوم ترجمه با کمک زبان میانجی دلالت می‌کند. در مقاله حاضر، عنوان ترجمه غیرمستقیم به عنوان گویاترین عنوان انتخاب شده است. در بخش بعد، به تفصیل کاربرد و اهمیت این روش از گذشته تا کنون را بررسی می‌کنیم.

۲.۲. نقش و اهمیت ترجمه غیرمستقیم

بررسی تاریخ ترجمه در هر ملتی نشان می‌دهد این روش از گذشته تا کنون در انتشار و بسط آثار مختلف نقش ویژه‌ای داشته است. ادبیات ملت‌های مختلف توانستند از طریق زبان میانجی به یکدیگر منتقل شوند که این، اهمیت ترجمه از زبان میانجی را نشان می‌دهد؛ برای مثال، می‌توان به فراوانی عناصر اسلامی در ادبیات مالایا اشاره کرد. این عناصر نه تنها به صورت مستقیم از زبان و فرهنگ عربی وارد ادبیات مالایا شدند، بلکه به طور غیرمستقیم برگرفته از داستان‌هایی هستند که از زبان عربی به زبان‌های فارسی و هندی ترجمه شده‌اند (حاج صالح، ۲۰۱۰، ص. ۱۷۰). همچنین، آثار ادبی شرق میانه نیز از طریق ترجمه‌های فرانسوی وارد ادبیات مالایا شدند؛ اما خود فرانسوی‌ها نیز برای دسترسی به ادبیات عرب، از ترجمه این آثار به زبان اردو کمک می‌گرفتند و متن مبدأ همین آثار اردو نیز ترجمه‌های فارسی بودند؛ نه متن عربی (حاج صالح، ۲۰۱۰).

لیو^۱ (۱۹۹۵، ص. ۲۳۲) نیز به اهمیت نقش ترجمه از زبان میانجی در پیشرفت چین اشاره کرده و معتقد است در اوایل قرن بیستم، چین به وسیله زبان ژاپنی توانست به آثار اروپایی دسترسی پیدا کند و این موضوع زمینه مدرنیته را برای چین فراهم کرد. وی معتقد است نقش ترجمه غیرمستقیم به عنوان تنها راه ممکن برای بالابردن درک چینی‌ها از مدرنیته اروپا و در نهایت، گسترش مدرنیته آن‌قدر حائز اهمیت است که توجه به احتمال خطا در ترجمه غیرمستقیم جایگاهی ندارد.

سنت آندره (۲۰۰۴) مدعی است اهمیت نقش ترجمه غیرمستقیم در آگاهی بریتانیا از موضوع‌های مربوط به آسیای جنوبی و شرقی نیز در این زمینه درخور توجه است. زمانی که ترجمه از زبان‌های در حاشیه، مانند فارسی، هندی، چینی و ... بسیار نادر بود، اروپاییان در صورت نیاز به اثری، آن را به یکی

1. Liu

از زبان‌های اصلی و رایج ترجمه می‌کردند و در ترجمه‌های بعدی، آن متن ترجمه‌شده را متن مبدأ قرار می‌دادند. البته در مورد دقت این ترجمه‌ها به‌ویژه وقتی ترجمه‌هایی به نام ترجمه کاذب^۱ به‌وجود آمدند، تردیدهایی وجود داشت. این عنوان برای نامیدن متونی است که ترجمه تلقی می‌شوند؛ اما هیچ متن مبدأیی ندارند؛ زیرا، در واقع ترجمه نیستند؛ بنابراین، ترجمه کاذب نوعی جعل ادبی است که در آن نویسنده سعی کرده است متن اصلی را در لباس ترجمه به خواننده عرضه کند (شاتلورت و کاوی، ۱۳۸۵، ص. ۲۱۳-۲۱۲).

سنت آندره (۲۰۰۴) معتقد است اروپاییان با استفاده از ترجمه غیرمستقیم، اطلاعات به‌دست‌آمده از غیراروپایی‌ها را با یکدیگر به‌اشتراک می‌گذاشتند. این روش علاوه‌براینکه به دانش همگانی کشورهای اروپایی نسبت به ادبیات ملت‌های دور کمک می‌کرد، باعث می‌شد اتحاد بین ملت‌های اروپایی حفظ شود و نیز دوگانگی اروپایی و غیراروپایی دیگری^۲ باقی بماند؛ برای مثال، پس از آن همه دوری غرب از شرق، زمانی که اروپا از ادبیات ملت‌های شرقی آگاه شد، مجبور شد آثار مشهوری چون هزار و یک شب را از طریق زبان‌های میانجی همچون فرانسوی وارد کند. به‌تعبیر گروله^۳ (۲۰۰۷) که یکی دیگر از محققان ترجمه است، ترجمه‌های هزار و یک شب با استقبال بی‌نظیر غرب روبه‌رو شدند؛ اما به‌دلیل وجود تفاوت هنجارهای فرهنگی شرق و غرب، به‌محض ورود، تغییرات نسبتاً عمده‌ای در آن ایجاد شد.

۲.۳. کاربرد ترجمه غیرمستقیم در ادبیات فارسی

در مورد کاربرد ترجمه غیرمستقیم، دولراپ (۱۹۹۸) مدعی است این روش اغلب در جامعه‌ای که زبان رایج آن در حاشیه نظام زبانی قرار دارد، اتفاق می‌افتد. در ایران نیز از گذشته تا کنون آثار زیادی از طریق زبان میانجی ترجمه شده‌اند؛ برای مثال، حبیبی معتقد است در گذشته کمتر مترجمانی بودند که با زبان روسی آشنایی کافی داشته باشند. اغلب ترجمه‌های آثار روسی از این زبان به‌طور غیرمستقیم انجام می‌شدند. استقبال از این روش حتی در دورانی که حزب توده با اهداف سیاسی و فرهنگی خاص به فعالیت مشغول بود نیز به‌شدت رواج داشت؛ چنان که بیشتر ترجمه‌های نویسندگان مشهور روسی

1 Pseudo translation

2. The other

3. Grolée

مانند ماکسیم گورکی و چخوف از زبان‌های فرانسوی یا انگلیسی صورت گرفت. در آن زمان هیچ‌کس به‌طور جدی سراغ یادگیری زبان روسی نمی‌رفت؛ زیرا، نیازی به آن احساس نمی‌شد و البته دخالت شرایط سیاسی نیز بی‌تأثیر نبوده است (لواسانی، ۱۳۸۵، ص. ۵۱). قاضی آثار اسپانیایی و روسی را از طریق تحریر فرانسه آن‌ها ترجمه کرده است (سمیعی گیلانی، ۱۳۸۵). مترجمان مشهور دیگری چون کوثری، فرزانه، گلشیری و غیره نیز آثار ادبی آمریکای لاتین را از طریق زبان‌های میانجی انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی، آلمانی و غیره به ایرانیان معرفی کردند. برخی از این ترجمه‌ها که توسط مترجمانی با مهارت و باتجربه انجام شده‌اند، کیفیت بی‌نظیری دارند و حتی بیشتر از ترجمه‌هایی که از متن اصلی همین آثار صورت گرفته‌اند، مورد استقبال طبقه کتاب‌خوان قرار گرفته‌اند.

بررسی کاربرد زبان میانجی در ترجمه آثار ادبی به زبان فارسی نشان می‌دهد میانجی‌گری یک زبان، تابع رواج دوره‌ای آن زبان در میان قشر روشنفکر و تحصیل‌کرده بوده است؛ برای مثال، «زبان فرانسوی در دوره رضاشاهی و قبل از آن، زبان‌های فرانسوی و روسی پس از سوم شهریور ۱۳۲۰، زبان انگلیسی و گاهی زبان آلمانی در دهه‌های اخیر این نقش را داشته‌اند» (سمیعی گیلانی، ۱۳۸۵، ص. ۱). در حال حاضر، اغلب زبان انگلیسی در جایگاه میانجی قرار می‌گیرد؛ اما برای ترجمه آثار نوشته‌شده به زبان‌های عربی یا فارسی، زبان‌های برجسته دیگری چون فرانسوی و آلمانی میانجی‌گری می‌کنند که این، به دلیل تمایل بیشتر این کشورها به انتشار ترجمه ادبیات ملت‌های دیگر است. در شرایطی که مترجم مجبور است اثری را به‌طور غیرمستقیم ترجمه کند، بهتر است آگاهانه بهترین ترجمه را به‌عنوان میانجی در نظر بگیرد تا ضعف‌ها به‌حداقل برسند. در مصاحبه‌ای، خرم‌پور (۱۳۸۶) براساس چنین استدلالی اظهار داشته است که در ترجمه آثار گاردنر، نویسنده نروژی، زبان آلمانی را به‌عنوان زبان میانجی انتخاب کرده است؛ زیرا آثار این نویسنده بیش از هر جای دیگر در آلمان مورد استقبال قرار گرفته‌اند و حتی بخش‌هایی از کتاب در مدارس تدریس می‌شود. ترجمه‌های آلمانی این آثار بسیار قوی هستند و مترجمان در بسیاری از کشورها برای ترجمه آثار این نویسنده، از زبان میانجی آلمانی بهره می‌گیرند (خبرگزاری کتاب، ۱۳۸۶).

مینو مشیری، اخیراً آثاری را از ساراماگو^۱، نویسنده پرتغالی، از زبان میانجی انگلیسی به فارسی ترجمه کرده است. او معتقد است ترجمه از زبان اصلی به مراتب بهتر از ترجمه «غیرمستقیم» است؛ اما وقتی مترجمان به زبان موردنظر تسلط کافی ندارند، چاره‌ای جز استفاده از ترجمه غیرمستقیم نیست. به تعبیر وی، چون ساراماگو در مصاحبه‌هایش بارها ترجمه انگلیسی این آثار را تحسین و از مترجم آن تقدیر کرده و حتی اعتراف کرده است که این مترجم بهتر و دقیق‌تر به اندیشه‌هایش ادای دین کرده است، ترجمه انگلیسی را به‌عنوان میانجی انتخاب کرده است. عزت‌الله فولادوند درباره ترجمه‌های مینو مشیری چنین می‌گوید: «پیداست مترجم مرعوب نویسنده نیست و لحن نوشته و سطح سخن را خوب دریافته و توانسته با امانت به خواننده فارسی زبان انتقال دهد» (جاوید، ۱۳۹۰، ص. ۱).

هرچه زبانی بیشتر در مرکز نظام ترجمه قرار داشته باشد، بیشتر به‌عنوان زبان میانجی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ یعنی ابزاری که کمک کند زبان‌های حاشیه بتوانند با یکدیگر دادوستد داشته باشند (هیلبرن، ۱۹۹۹)؛ بنابراین، هر اثر زمانی می‌تواند از یک زبان حاشیه‌ای به زبان حاشیه‌ای دیگر منتقل شود که پیش‌تر به یکی از زبان‌های رایج بین‌المللی، ترجمه شده باشد؛ همان‌طور که تا قبل از جنگ جهانی دوم، زبان فرانسوی زبان غالب در سطح بین‌الملل بود؛ اما کم‌کم زبان انگلیسی دارای قدرت بیشتری شد و جایگزین زبان فرانسوی گردید.

۲. ۴. آسیب‌شناسی روش غیرمستقیم

اعتقاد بیشتر صاحب‌نظران ترجمه این است که در ترجمه حتی در بهترین نوع آن، به‌طور معمول ویژگی‌هایی از متن اصلی از دست می‌رود و باعث می‌شود متن اصلی با متن ترجمه‌شده متفاوت باشد. حال اگر ترجمه‌ای از روی متن ترجمه‌شده انجام شود، این ضعف‌ها دوچندان می‌شوند. اکبرشاه ادیب، دانشمند و سومین پادشاه گورکانی هند بود که در عصر او ادبیات و هنر به اوج شکوفایی رسید و برخی از آثار ادبی قدیم زبان سانسکریت به زبان فارسی ترجمه شدند. او خود به گردآوری و تألیف آثار ادبی پرداخت و دستور داد پنج *داستان* و *کلیله و دمنه* را از زبان سانسکریت به زبان فارسی ترجمه کنند. اکبرشاه ترجمه‌های انجام‌شده توسط ابن‌مقفع، نصرالله منشی و انوار سمیعی

1. Saramago

را نمی‌پسندید؛ زیرا، باور داشت آن‌ها به دلیل اینکه از طریق زبان میانجی ترجمه شده‌اند، از متن اصلی بسیار دور مانده‌اند. مصطفی خالق‌داد مترجم پنج کیانه یا پنج داستان در مقدمه اثرش چنین گفته است:

و چون همان نسخه اصلی هندوی [پنج داستان] هنگام عرض [بازدید] کتابخانه عالی به نظر کیمیا اثر [اکبرشاه] درآمد، به خاطر قدسی مآثر [اکبرشاه] چنان قرار یافت که چون این کتاب چندین مرتبه از زبانی به زبانی رفته [از سانسکریت به پهلوی، از پهلوی به عربی و از عربی به فارسی] و از بیانی به بیان دیگر آمده و البته تغییر و تبدیل در آن راه یافته و کمی و زیادت‌ی پذیرفته ... اولی آنست که مجدداً این کتاب به ترجمه درآید و قرعه دولت این خدمت به نام واپسین‌ترین بنده‌های این درگاه، مصطفی خالق‌داد عباسی افتاد. حکم شد هرچه از خشک و تر در آن کتاب باشد، به همان ترتیب رقم نماید تا قدر تفاوت اصل سخن و ترتیب آن و زیادت‌ی و نقصان ظاهر گردد (هاشمی عباسی، ۱۳۱۳، ص. ۵-۴).

سنت آن‌دوره (۲۰۰۴، ص. ۲۳۲) معتقد است بی‌گمان بدبینی نسبت به ترجمه از زبان میانجی، از بدبینی نسبت به کنش ترجمه نشأت می‌گیرد. وقتی در جامعه‌ای ترجمه همواره موضوعی حاشیه‌ای قلمداد شود، بعید نیست این بی‌اعتمادی نسبت به ترجمه‌ای که از زبان میانجی شده است، دو برابر شود.

۳. هدف پژوهش

اگرچه در ایران در طول سالیان دراز بسیاری از ترجمه‌ها به‌طور غیرمستقیم ترجمه شده‌اند، به‌نظر می‌رسد در چند سال اخیر این موضوع بیشتر مورد توجه خوانندگان و ناشران قرار گرفته است. یکی از دلایل وجود چنین توجهی عامل سانسور بوده است. رمان *صدسال تنهایی* که در ایران به پدیده‌ای تبدیل شده است، در سال ۱۳۵۳ توسط بهمن فرزانه، مترجمی خوش سابقه، و ناشر مشهور، امیرکبیر برای اولین بار ترجمه و منتشر شد و با استقبال بی‌نظیری همراه شد؛ اما پس از انقلاب اسلامی ایران، به دلایل ویژگی‌های اخلاقی نامتعارفی که در این ترجمه وجود داشت، اجازه نشر به آن داده نشد؛ ولی به دلیل علاقه‌مندی مخاطبان به این اثر، ترجمه فرزانه وارد بازار سیاه شد و چندین سال به‌صورت زیرزمینی به فروش رسید. در شرایطی که فروش مجاز چنین اثر محبوبی ممنوع شده بود و خوانندگان نمی‌توانستند به‌آسانی به آن دسترسی داشته باشند، زمینه برای ناشران و مترجمان دیگر فراهم شد تا هرچه سریع‌تر دست به ترجمه این اثر پرفروش بزنند و با پرکردن جای خالی آن در بازار کتاب،

شانس فروش هرچه بیشتر را از آن خود کنند. این ترجمه‌ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم انجام شدند و نسبت به ترجمه فرزانه از نظر روانی، زیبایی و به ویژه دقت و امانتداری نقص‌های چشمگیری داشتند. بی‌شک در ترجمه‌های جدید بخشی از رعایت نکردن اصل دقت و امانتداری برای کسب مجوز چاپ بوده است. این نقص‌ها و تفاوت‌ها از چشم مخاطبان دور نماند. به همین دلیل این ترجمه‌ها آن‌طور که انتظار می‌رفت، فروخته نشدند و بازار سیاه ترجمه فرزانه همچنان رونق داشت. در این شرایط که خوانندگان به امانتداری و کامل بودن ترجمه‌های موجود در بازار بی‌اعتماد شده بودند، برخی دیگر از ناشران و مترجمان این اثر را با کیفیتی هرچند نامطلوب ترجمه کردند و با استفاده از عامل فرامتنی جهت مستقیم ترجمه و درج کردن عبارت ترجمه از نسخه کامل اسپانیایی سعی کردند اعتماد از بین رفته مخاطبان را به سوی اثر خود جلب کنند. به نظر می‌رسد در بازار کتاب این ترجمه‌ها بیشتر توانستند موفق عمل کنند. باین وجود، ترجمه‌های فرزانه طرفداران خود را از دست ندادند و بالاخره در سال ۱۳۹۰ فرزانه با اعمال تغییراتی توانست صدسال تنهایی خود را دوباره روانه بازار کتاب کند. او در ابتدای نسخه جدید ترجمه‌اش چنین نوشته است:

در طی سال‌های اخیر در مصاحبه‌ها و گفتگو در نمایشگاه کتاب، اغلب در مورد رمان صدسال تنهایی، از من سؤالاتی می‌شد که بدون جواب باقی می‌ماندند. اکنون پس از این همه سال سکوت، خوشحال هستم که عاقبت می‌توانم به خواستاران آن کتاب جواب مثبتی بدهم. ممکن است برخی از خوانندگان از این ویرایش جدید دچار شک و شبهه بشوند ولی من به آن‌ها اطمینان خاطر می‌بخشم که صدمه‌ای به کتاب وارد نشده است. کتاب صدسال تنهایی، مثل یک درخت کهنسال صدساله است. چیدن چند شاخ و برگ اضافی به تنه درخت صدمه‌ای نمی‌زند (فرزانه، ۱۳۹۰، ص. مقدمه مترجم).

با وجود اهمیت عوامل فرامتنی و یکی از عوامل مهم آن، که جهت ترجمه (مستقیم یا غیرمستقیم) است، توجه چندانی به این موضوع در حوزه نشر و بازار ترجمه و نیز در حوزه پژوهش نشده است. وقتی خوانندگان در بازار کتاب شاهد ترجمه‌های متعدد از یک اثر هستند، به عنوان مصرف‌کنندگان این کالا از کیفیت نسخه‌های متعدد مطلع نیستند و در مقابل تنوع ترجمه‌های ارائه شده در بازار کتاب، قادر به انتخاب بهترین گزینه نیستند. در چنین موقعیتی، محققان و صاحب‌نظران علم ترجمه با تلاشی

آگاهانه می‌توانند نقش مؤثری در بهبود وضعیت نشر و بازار ترجمه ایفا کنند. آن‌ها موظف هستند آثار ترجمه‌شده را بررسی نمایند و نقاط ضعف و قوت آن‌ها را مشخص سازند تا به خواننده کمک کنند در بازار کتاب انتخاب منطقی و صحیح‌تری داشته باشد. این فرایند موجب خواهد شد ناشرین نیز دقیق‌تر به این مهم توجه کنند. براساس وجود چنین ضرورتی، در مقاله حاضر قصد داریم به بررسی نقادانه پنج ترجمه از *رمان صدسال تنهایی* بپردازیم. این رمان تاکنون توسط مترجمان مختلف و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به فارسی برگردانده شده است. در دو نسخه‌ای که ترجمه متن اصلی هستند، عبارت *برگردان از نسخه اصلی اسپانیایی* به شیوه‌ای خاص و درشت بر روی جلد چاپ شده است. در این مطالعه، این عبارت به‌عنوان یک *عامل فرامتنی* در نظر گرفته می‌شود. از آنجایی که برخی از ناشران به ترجمه از زبان اصلی توجه ویژه‌ای نشان می‌دهند و با درج آن بر روی جلد از آن در بازار نشر با هدف جلب توجه خواننده استفاده می‌کنند، در این مقاله با بررسی ترجمه‌های مختلف یک اثر که حاصل جهت‌های مستقیم و غیرمستقیم هستند و مطالعه این *عامل فرامتنی*، نشان خواهیم داد تا چه حد می‌توان این ویژگی را معیاری برای انتخاب ترجمه برتر در نظر گرفت.

۴. روش تحقیق

برای بررسی تفاوت ترجمه‌های یک اثر که یکی از دلایل آن مستقیم و غیرمستقیم بودن است و نیز بررسی میزان تغییرها و خطاهایی که گمان می‌رود در ترجمه غیرمستقیم بیشتر از ترجمه مستقیم وجود دارد، ترجمه‌های *رمان صدسال تنهایی* اثر مارکز^۱ نویسنده مشهور کلمبیایی، انتخاب شده‌اند. تاکنون مترجمان مختلف این رمان را به زبان فارسی برگردانده‌اند. پنج ترجمه‌ای که در تحقیق حاضر بررسی می‌شوند، شامل دو ترجمه از متن اصلی؛ یعنی اسپانیایی توسط راهور (۱۳۷۸) و پارسای (۱۳۸۸) و دو ترجمه دیگر توسط گوهری‌راد (۱۳۸۹) و سبط‌الشیخ (۱۳۹۰) از زبان میانجی انگلیسی و آخرین نسخه ترجمه فرزانه (۱۳۹۰) از زبان میانجی ایتالیایی است. در هر دو اثری که از زبان اصلی ترجمه شده‌اند، به‌طرز چشمگیری مستقیم‌بودن ترجمه از نسخه کامل اسپانیایی بر روی جلد درج شده است. علاوه بر این، در اولین صفحه ترجمه راهور از *صدسال تنهایی* آنچه مشاهده می‌شود، این است: «از صدسال

تنهایی، ترجمه‌های بی‌اجازه‌ای هم به زبان فارسی، یونانی و عربی منتشر شده که وضع این ترجمه‌ها، چندان مطلوب نیست» (راهور، ۱۳۷۸، ص. نخست). و در صفحه بعد با خطی درشت نوشته شده است: «این کتاب از روی متن کامل نسخه اسپانیایی و با اطلاع دفتر حقوقی گارسیا مارکز ترجمه و در ایران منتشر شده است» (راهور، ۱۳۷۸، ص. نخست). در ترجمه پارسای نیز در بخش «مقدمه مترجم» چنین آمده است: «ترجمه مستقیم این کتاب از زبان اسپانیایی که زبان مادری نویسنده آن محسوب می‌شود، بسیاری از نکات نامفهوم نسخه‌های پیشین را روشن می‌کند و متن اصلی و واقعی را در برابر چشمان جستجوگر و اذهان پژوهشگر خوانندگان قرار می‌دهد...» (پارسای، ۱۳۸۸، ص. مقدمه).

از میان ترجمه‌هایی که حاصل روش غیرمستقیم هستند، فقط در اثر گوهری‌راد عبارت ترجمه/از زبان/انگلیسی ذکر شده است؛ اما دو ترجمه دیگر این توضیح را نداده‌اند و نگارندگان از طریق تماس با ناشر توانستند به متن میانجی دو ترجمه دیگر پی ببرند. پس از مطالعه دقیق این آثار، ابتدا دو ترجمه از نسخه اسپانیایی با یکدیگر مقایسه شدند و بعد از آن، ترجمه نسخه‌های انگلیسی و ایتالیایی جداگانه با هریک از متون ترجمه‌شده از نسخه اصلی مقایسه گردیدند. در همه مقایسه‌ها مشاهده شد دو عامل حذف یا اضافه و معادل‌گذاری متفاوت بیشترین نقش را در متفاوت کردن ترجمه‌ها داشته‌اند. در هر مقایسه، تعداد هریک از این عوامل محاسبه شده‌اند و تفاوت‌های مفهومی ناشی از این دو عامل بررسی گردیده‌اند. ابتدا برای هر دو عامل با توجه به تفاوت‌های مفهومی و معنایی که در ترجمه ایجاد کرده‌اند، دو زیرمجموعه مهم^۱ و غیرمهم^۲ در نظر گرفته شده بود؛ اما به دلیل اینکه بیشتر معادل‌گذاری‌های متفاوت، تفاوت‌های مهم معنایی و مفهومی ایجاد کرده بودند، زیرمجموعه‌های نام‌برده برای این عامل کنار گذاشته شدند و فقط برای حذف یا اضافه در نظر گرفته شدند. برای دقت عمل بیشتر، بخشی از فصل پایانی (فصل بیستم) رمان *صدسال تنهایی* به‌طور تصادفی انتخاب و ارزیابی شده است. برای تطبیق متن اصلی و متون ترجمه‌شده و تشخیص معادل‌گذاری متفاوت و حذف یا اضافه، از فرهنگ لغت اسپانیایی به انگلیسی لاروس^۳ استفاده شده است.^(۱)

-
1. significant
 2. insignificant
 3. Larousse

۵. تحلیل و نقد ترجمه فصل بیستم رمان صدسال تنهایی

در ترجمه‌های یادشده میزان موفقیت مترجمان در انتقال مفاهیم یکی نیست و خوانش ترجمه‌ها نیز به یک اندازه روان نیست. علاوه بر تغییر زمان فعل‌ها که در هر پنج ترجمه متفاوت است، موارد متغیری که از بررسی فصل بیستم این رمان به دست آمده‌اند، بیشتر ناشی از حذف یا اضافه و معادل-گذاری متفاوت هستند که در بخش‌هایی به مفهوم اصلی آسیب جدی رسانیده‌اند. با نگاهی جزئی می‌توان مشاهده کرد ترجمه‌های راهور، پارسای و فرزانه به هم شباهت دارند. ترجمه‌های سبط‌الشیخ و گوهری‌راد که هر دو برگردان از زبان میانجی انگلیسی هستند، نقاط مشترک زیادی دارند؛ اگرچه مشخص نیست متن مبدأ یک ترجمه بوده است یا خیر. به‌عنوان نمونه قسمتی از متن که چنین شباهت‌هایی را نشان می‌دهد، در اینجا ارائه شده است:

پیلارترینا شیبی	پیلارترینا آن پیرزن	پیلارترینا در یک	پیلارترینا شیبی	پیلارترینا شیبی
در همان حال که	جادوگر، یک شب در	شب ضیافت، در	مجلس مهمانی	در همان حال که
روی صندلی	مهمانی، در همان صندلی	همان حال که در	که در صندلی	روی صندلی
راحتی خود از	راحتی که از چوب بید	صندلی راحتی	راحتی خود از	راحتی خود از
جنس چوب بید	درست شده بود نشسته	چوب بید خود	جنس چوب بید	جنس چوب بید
نشسته بود و از	بود و درحالی که داشت از	نشسته بود و از	آبنوس نشسته	نشسته بود و از
بهشت خود	بهشت خیالی خود لذت	بهشت خود	بود و از بهشت	بهشت خود
مراقبت می‌کرد،	می‌برد، از دنیا رفت. او	نگهبانی می‌کرد،	خود مواظبت	مراقبت می‌کرد،
از دنیا رفت. بنابر	سال‌ها پیش وقتی که به	درگذشت. بنابر	می‌کرد، از دنیا	از دنیا رفت. بنابر
آخرین آرزویش،	سن صدوچهل و پنج	آخرین آرزویش، او	رفت. طبق	آخرین آرزویش،
او را بدون	سالگی رسیده بود از	را بدون تابوت دفن	آخرین آرزویش	او را بدون
گذاشتن در	عادت غم‌انگیز شمارش	کردند	او را بدون تابوت	گذاشتن در
تابوت، به خاک	سال‌های عمرش دست	(فرزانه، ۱۳۹۰ ص.	به خاک سپردند	تابوت، به خاک
سپردند (پارسای،	برداشته بود و فقط با	۳۹۲).	(راهور، ۱۳۷۸،	سپردند (پارسای،
ص. ۱۳۸۸،	خاطراتش زندگی می‌کرد		ص. ۴۷۷).	ص. ۱۳۸۸،
ص. ۵۳۸).	(سبط‌الشیخ، ۱۳۹۰، ص.			ص. ۵۳۸).
	۵۱۹).			
	(۴۰۱)			

بر اساس فرهنگ لغت لاروس، معادل عبارت اسپانیایی، «مراقبت و نگهداری» است که در دو ترجمه اول آمده است. سبط‌الشیخ و گوهری‌راد که از متن انگلیسی ترجمه کرده‌اند، هر دو واژه «لذت‌بردن» را به کار برده‌اند. در همین دو ترجمه آخر، توصیف‌هایی مانند «پیرزن جادوگر»، بهشت «خیالی» یا «پوشالی» و جمله «او سال‌ها قبل / پیش ...» وجود دارند که در دو ترجمه مستقیم و ترجمه غیرمستقیم از زبان میانجی ایتالیایی مشاهده نمی‌شوند. در ترجمه گوهری‌راد و پارسای، واژه "fiesta" به معنای مهمانی یا ضیافت، ترجمه نشده است.

در مقایسه‌ای که بین ترجمه‌های مستقیم (راهور و پارسای) صورت گرفت، ۳۱ تفاوت پیدا شد. ۱۳ مورد آن ناشی از معادل‌گذاری متفاوت و ۱۸ مورد ناشی از حذف یا اضافه بوده است. ۱۲ مورد از ۱۸ حذف یا اضافه، مهم ارزیابی شدند. راهور عباراتی را که در متن اصلی بودند، حذف یا متفاوت بیان کرده است؛ زیرا، بیشتر عباراتی که در ترجمه پارسای وجود داشتند، اما در ترجمه راهور مشاهده نمی‌شدند، عبارتی‌هایی بودند که از لحاظ حفظ ادب، صلاح‌دید مترجم بر حذف آن‌ها بوده است یا اینکه آن‌ها را با معادل‌گذاری متفاوت بیان کند؛ برای مثال:

<p>آورلیانو از مکاتیب دست کشیده بود. از منزل بیرون نمی‌رفت و شتابان به نامه‌های فاضل اسپانیایی پاسخ می‌داد. حس واقعیت را گم کردند. زمان و عادات روزمره را فراموش کردند (راهور، ۱۳۷۸، ص. ۴۸۴).</p>	<p>آورلیانو دیگر به سراغ نوشته‌ها نمی‌رفت. از خانه هم خارج نمی‌شد. با عجله به نامه‌های دانشمند اسپانیایی پاسخ می‌داد. واقعیت‌ها را گم و زمان و عادات روزانه را فراموش کرده بودند. بار دیگر روی درها و پنجره‌ها را پوشاندند تا به همان ترتیب که رم‌دیوس خوشگل رفتار می‌کرد، برهنه در خانه بگردند. به مرز دیوانگی رسیده بودند، چیزی نمانده بود در وان حمام خفه شوند ... (پارسای، ۱۳۸۸، ص. ۵۴۶).</p>
---	---

مقایسه بین دو ترجمه‌ای که از زبان میانجی انگلیسی (سبط‌الشیخ و گوهری‌راد) انجام شده است، نشان می‌دهد کمترین میزان تفاوت بین این دو ترجمه وجود دارد. در هر دو ترجمه، میزان حذف به‌ویژه

در ترجمه گوهری راد زیاد است. در این مقایسه، کل تفاوت‌ها ۶۱ مورد است: ۳۸ مورد حذف یا اضافه و ۲۳ مورد معادل‌گذاری متفاوت. از ۳۸ مورد، ۳۶ تفاوت در مفهوم متن تأثیرگذار بوده‌اند؛ مثال:

... هیچ کاری بهتر از بازکردن یک کتاب‌فروشی به فکرش نرسیده بود. او کتاب‌های قدیمی قبل از قرن پانزده و کتاب‌های چاپ اول را به چند زبان می‌فروخت و ... (سبط‌الشیخ، ۱۳۹۰، ص. ۵۲۰).	کاری بهتر از بازکردن کتاب‌فروشی به ذهنش نرسید، زیرا خودش هم در آن کتاب‌های کهن چاپ قبل از قرن پانزدهم، در پی یافتن چیزی بود ... (گوهری راد، ۱۳۸۹، ص. ۴۰۲).
--	--

در مقایسه ترجمه‌های راهور (مستقیم) و فرزانه (غیرمستقیم، ایتالیایی)، ۲۶ مورد تفاوت یافت شدند. ۱۲ مورد حذف یا اضافه و ۱۴ مورد معادل‌گذاری متفاوت بودند. ۱۰ مورد از حذف یا اضافه، مهم ارزیابی شدند. در این مقایسه نیز مشاهده شد بیشتر تفاوت‌ها ناشی از تصمیم‌گیری مترجمان درباره موضوعات فرهنگی و حفظ ادب است. بررسی این فصل نشان می‌دهد راهور به اصل ادب و فرزانه به امانتداری توجه بیشتری داشته است؛ مثال:

پایان فرا رسیده بود. ویرانه‌های گذشته، در گور پیلارترنرا و بین سروده‌ها و زیورآلات ارزان‌قیمت فاحشه‌ها می‌پوسید؛ ... (فرزانه، ۱۳۹۰، ص. ۳۹۲).	پایان راه بود. خرابه‌های گذشته، در قبر ترنرا و میان سرودها و وسیله‌های زبیتی ارزان‌قیمت فرانسوی‌ها می‌پوسید؛ ... (راهور، ۱۳۷۸، ص. ۴۷۷).
--	---

بین ترجمه‌های راهور و سبط‌الشیخ، ۹۳ تفاوت کلی وجود داشت. ۶۵ تفاوت به اعمال حذف یا اضافه و ۲۸ مورد به اعمال معادل‌گذاری متفاوت تعلق داشتند. ۴۶ مورد از حذف یا اضافه مهم بوده‌اند؛ مثال:

تصور کرد می‌تواند به او آرامش خیال ببخشد. تکه‌ای زغال برداشت و بر روی علامت‌های فراوان غذاهایی که آنورلیانو به وی بدهکار بود، خط کشید و به‌ویژه همه غم‌های خودش را به‌یاد آورد تا او را در گریستن تنها نگذارد (راهور، ۱۳۷۸، ص. ۴۹۳).	برای اینکه او را آرام کند تمام غم‌های تنهایی خود را به‌یاد آورد. تا با او گریه کند (سبط‌الشیخ، ۱۳۹۰، ص. ۵۳۹).
--	---

در مقایسه‌ای که بین ترجمه راهور (مستقیم) و گوهری راد (غیرمستقیم، انگلیسی) صورت گرفت، ۱۱۵ تفاوت مشاهده شد: ۷۷ تفاوت ناشی از حذف یا اضافه و ۳۸ مورد ناشی از معادل‌گذاری متفاوت بوده است؛ مثال:

بعد از ظهر همان روز پس از بیست و چهار ساعت درماندگی و بعد از آنکه خونریزی بی-هیچ معالجه‌ای به خودی خود قطع شد، فهمیدند که او مرده است (راهور، ۱۳۷۸، ص. ۴۹۲).	عصر همان روز، بعد از بیست و چهار ساعت رنج و بعد از آنکه هیچ درمانی روی او پاسخ نداد، از دنیا رفت (گوهری‌راد، ۱۳۸۹، ص. ۴۱۲).
--	---

کل تفاوت‌ها بین ترجمه‌های پارسای و فرزانه، ۶۳ مورد بود که از این تعداد، ۳۷ مورد حذف یا اضافه و ۲۶ مورد معادل‌گذاری متفاوت بوده‌اند. ۲۲ مورد از حذف یا اضافه مهم ارزیابی شده‌اند. میزان حذف در ترجمه فرزانه بیشتر بوده است؛ البته در این پژوهش از نسخه جدید ترجمه فرزانه استفاده شده است. اگر نسخه ترجمه شده قدیمی بررسی شود، بعید نیست تفاوت‌های کمتری بین این ترجمه و ترجمه پارسای مشاهده شود.

دست آتورلیانو پریشان را گرفته بود و به او التماس می‌کرد که نگران نشود، زیرا کسانی مثل او، برای مردن برخلاف میل خود، آفریده شده‌اند (فرزانه، ۱۳۹۰، ص. ۴۰۵).	آماراتا اورسولا نخست کوشید روحیه‌اش را حفظ کند. بنابراین دست آتورلیانو را که پریشان حال بود، گرفت و با التماس از او خواست که نگران نباشد، زیرا کسانی مانند او، هرگز برخلاف رضایت خود نخواهند مرد (پارسای، ۱۳۸۸، ص. ۵۵۴).
--	--

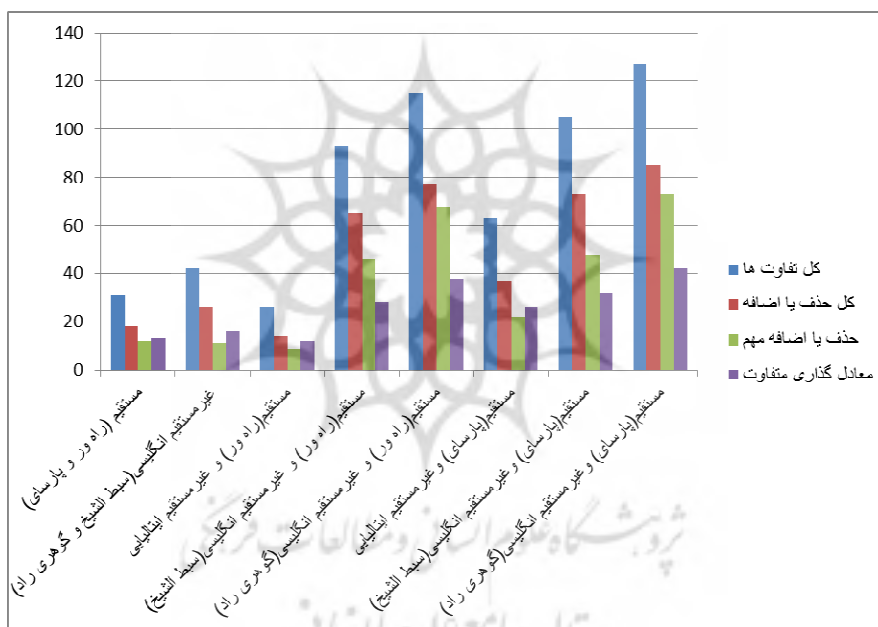
در محاسبه انجام شده، ۱۰۵ تفاوت بین ترجمه‌های پارسای (مستقیم) و سبط‌الشیخ (غیرمستقیم، انگلیسی) وجود داشت که از این تعداد، ۷۳ تفاوت ناشی از حذف یا اضافه است. میزان حذف‌ها در ترجمه سبط‌الشیخ بیشتر از ترجمه پارسای بوده است. ۳۲ مورد دیگر نیز ناشی از معادل‌گذاری متفاوت مترجمان هستند که موجب تغییر در مفهوم شده‌اند. از ۷۳ تفاوت ذکر شده، ۴۸ مورد آن در معنا و مفهوم متن تأثیر گذاشته‌اند؛ مثال:

آن موقع بود که فهمید آماراتا اوروسلا خواهر او نبوده بلکه خاله‌اش بوده است و فرانسیس دریک به ریوهاچا حمله کرده بود تا آن‌ها بتوانند بعد از سال‌ها از بین پیچاپیچ آغشته به خون، همدیگر را پیدا کنند و ... (سبط‌الشیخ، ۱۳۹۰، ص. ۵۴۳).	متوجه شد که آماراتا اورسولا خواهرش نبوده است و فرانسیس دریک به ریویوآچا حمله کرد تا آن‌ها بتوانند از میان ماریپیچ آغشته به خون، یکدیگر را بیابند ... (پارسای، ۱۳۸۸، ص. ۵۵۹).
--	--

در مقایسه ترجمه‌های پارسای (مستقیم) و گوهری‌راد (غیرمستقیم، انگلیسی) ۱۲۷ تفاوت کلی وجود داشت که ۸۵ مورد به دلیل حذف یا اضافه و ۴۲ مورد به دلیل معادل‌گذاری متفاوت است. ۷۳ مورد از ۸۵ حذف و اضافه مهم ارزیابی شده است؛ مثال:

به آئورلیانو گفت: - یک آدمخوار واقعی است! فکر می‌کنم بهتر است اسم رودیگو را روی او بگذاریم (پارسای، ۱۳۸۱، ص. ۵۵۴).	آمارانتا اورسولا به اورلیانو گفت: «نگاه کن ... مثل خودت یک آدمخوار کامل و تمام‌عیار است! ... اسمش را رودیگو می‌گذاریم» (گوهری‌راد، ۱۳۸۹، ص. ۴۱۲).
--	---

نمودار ذیل توضیحات پیشین را نمایش می‌دهد:



نمودار ۲. مقایسه چهار ترجمه بررسی شده

۶. نتیجه‌گیری

ترجمه غیرمستقیم همواره مخالفان و موافقان خود را داشته است و برخی از صاحب‌نظران نیز توصیه کرده‌اند تنها در صورت نیاز از آن استفاده شود. این پژوهش نشان می‌دهد اگر ترجمه‌ای را مترجمی با تجربه و زبان‌شناس انجام دهد که زبان میانجی را آگاهانه انتخاب کرده است، نتیجه، ترجمه‌ای با حداقل

آسیب ممکن خواهد بود. از میان ترجمه‌های منتخب در این پژوهش، ترجمه فرزانه که برگردانی از نسخه ایتالیایی می‌باشد، روان‌ترین ترجمه است. ترجمه پارسای نیز برگردان متن اصلی است و حتی کامل‌تر از نسخه جدید ترجمه فرزانه است؛ اما نشانه‌های زیادی وجود دارند که ثابت می‌کنند مترجم بر ترجمه فرزانه بسیار تکیه کرده است. در ترجمه راهور، بیش از دو ترجمه قبل، نکات اخلاقی جدی‌تر در نظر گرفته شده‌اند و مترجم در مواجهه با موردی غیر اخلاقی آن مورد را حذف کرده یا تغییر داده است. ترجمه سبط‌الشیخ و ترجمه گوهری‌راد که برگردان نسخه میانجی انگلیسی هستند، ضعیف‌ترین ترجمه‌ها از میان پنج ترجمه منتخب هستند. حذف کردن و برداشته‌های آزاد مترجمان به درک موضوع آسیب‌زایی وارد کرده است و در برخی از موارد مشخص است مترجمان حتی مفهوم اصلی را درک نکرده‌اند.

براین اساس، می‌توان نتیجه گرفت در شرایطی که مترجم مهارت‌های لازم زبانی را کسب نکرده است و تسلط کافی بر زبان مبدأ ندارد، ترجمه غیرمستقیم یکی از بهترین راه‌حل‌های ممکن است؛ البته از مترجمان انتظار می‌رود در انتخاب متن میانجی دقت و حساسیت کافی داشته باشند و آن را آگاهانه انتخاب کنند. با در نظر داشتن این شرایط می‌توان اطمینان داشت حاصل کار ترجمه‌ای مطلوب خواهد بود. علاوه بر این، مترجمان و ناشران باید به کمک عوامل فرامتنی مانند مقدمه، پیش‌گفتار، جلد اثر و غیره، فرایند تولید ترجمه را برای خوانندگان روشن کنند. ادبیات ترجمه‌شده در صورتی می‌تواند مخاطبان خود را حفظ کند که ناشران ترجمه‌های نامطلوب را شناسایی نمایند و وارد بازار کتاب نکنند. ناشران باید با مخاطبان صادق باشند و برایشان توضیح دهند که متن ترجمه‌شده چه ویژگی‌هایی نسبت به متن اصلی دارد و در نتیجه، شرایطی را فراهم سازند که خوانندگان بتوانند آگاهانه به بهترین ترجمه دسترسی پیدا کنند. در پایان فراموش نکنیم ترجمه از زبان اصلی ویژگی مثبت هر ترجمه‌ای می‌تواند باشد؛ اما همیشه تعیین‌کننده کیفیت آن نیست.

یادداشت‌ها

۱. در اینجا لازم است از سرکار خانم نیوشا سروری که در ترجمه متن اسپانیایی راهنمایی‌های خویش را دریغ نکردند، قدردانی شود.

کتابنامه

- جاوید، ح. (۱۳۹۰). خلاق‌ترین نویسنده عصر ما: گفت‌وگو با مینو مشیری به مناسبت انتشار نوت بوک ساراماگو. برگرفته در ۹ دی ۱۳۹۱، از <http://www.magiran.com/npview.asp>
- خبرگزاری کتاب. (۱۳۸۶). خرمی پور مرد داستان فروش را روانه نمایشگاه کرد. برگرفته در ۱۲ دی ۱۳۹۱، از <http://www.ibna.ir/vdci.varct1a5pbc2t.txt>
- سمیعی گیلانی، ا. (۱۳۸۵). آیا برنامه‌ریزی ترجمه ادبی در شرایط کنونی کشور ما ضرورت دارد؟ مجله الکترونیکی پژوهشگران، (۸ و ۹)، از <http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart>
- شاتلورت، م. و کاوی، م. (۱۳۸۵). فرهنگ توصیفی اصطلاحات مطالعات ترجمه. (ف. فرحزاد و دیگران، مترجمان). تهران: یلدا قلم.
- لوسانی، م. (۱۳۸۵). گفتگو با مترجم مقیم پاریس - در ایران به اشتباه من را مترجم فرانسه می‌دانند. (مصاحبه با سروش حبیبی). نشریه فرهنگ و هنر ادبیات داستانی، (۱۰۲)، ۵۱.
- مارکز، گ. گ. (۱۳۷۸). صدسال تنهایی. (م. ر. راهور، مترجم). تهران: شیرین.
- مارکز، گ. گ. (۱۳۸۸). صدسال تنهایی. (ک. پارسای، مترجم). تهران: آریابان.
- مارکز، گ. گ. (۱۳۸۹). صدسال تنهایی. (ح. گوهری‌راد، مترجم). تهران: جمهوری.
- مارکز، گ. گ. (۱۳۹۰). صدسال تنهایی. (ب. فرزانه، مترجم). تهران: امیرکبیر.
- مارکز، گ. گ. (۱۳۹۰). صدسال تنهایی. (م. ص. سبط‌الشیخ، مترجم). تهران: تلاش.
- هاشمی عباسی، م. (۱۳۱۳). پنجا کیانه یا پنج داستان. تهران: اقبال.
- André, J. (2004). Relay. M. Baker & G. Saldanha (Eds.), *Routledge encyclopedia of translation studies* (pp. 230- 235). London: Routledge.
- Baker, M., & Saldanha, G. (Eds.). (2009). *Routledge Encyclopedia of Translation Studies*. London: Routledge.
- Crocker, B. (2011). *The vestibule of the text: Explorations of paratext*. Australia: university of New England, Armidale.
- Dollerup, C. (1998). Relay and support translation: In translation in context. Selected Contributions from the EST Congress. *Granada*. Amsterdam & Philadelphia: John Benjamin.
- Dollerup, C. (2008). *Relay and delay in translation*. Retrieved 12 May, 2011, from <http://www.cay-dollerup.dk/publications.asp>.

- Genette, G. (1997). *Paratexts: Thresholds of Interpretation*. Trans. from the French by J. E. Lewin. England: Cambridge University press.
- Gorlée, D. L. (2007). Bending back and breaking. *Journal of Symplek*, (15), 341-352.
- Gutt, E. (2000). *Translation and relevance: Cognition and context*. (2nd ed.). Manchester: St. Jerome.
- Heilbron, J. (1999). *Toward sociology of translation: Book translation as a cultural world-system*. London: Euromonitor Publications.
- Hj.Salleh, S. (2010). *Malay literature of the 19th century*. Malaysia: Institute Terjemahan Negara Malaysia Berhad.
- Koş, A. (2008). [Analysis of the paratexts of Simone de Beauvoir's works in Turkish](#).
A. Pym & A. Perekrestenko (Eds), *Translation Research Projects* (pp. 59-68). Tarragona: Intercultural Studies Group.
- Liu, L. (1995). *Translingual practice: Literature, national culture, and translated Modernity- China*. Stanford: Stanford University Press. From <http://books.google.com/books>
<http://www.larousse.com/en/dictionnaires/anglais-espagnol>
- Marquez, G. G. (1967). *Cien años de soledad [E book]*. Spain: university of Autonomia.
From www.uaca.ac.cr/bv/ebooks/novela/3.
- Pym, A. (2011). *Translation research terms: A tentative glossary for moments of perplexity and dispute*. Spain: university Rovira i Virgili.
- Smith, K. (2002). *Translation as secondary communication: The relevance theory perspective of Ernst-August Gutt*. South Africa: University of Stellenbosch.
- Watts, R. (2000). Translating culture: Reading the paratexts to Aimé Césaire's *Cahier d'un retour au pays natal*. *Traduction, Terminologie, Redaction*, (13), 29-45, Retrieved 10 September, 2012, from <http://id.erudit.org/iderudit/037410ar>. DOI: 10.7202/037410ar.
- Yuste Frías, J. (2012). Paratextual elements in translation: Paratranslating titles in children's literature. In G. Bajardí et al. [Eds.], *Translation peripheries: Paratextual Elements in Translation* (pp. 117-134). Wien: Peter Lang.